Security Horazions

Volume

Vol. 17
Season Year
P.P: 11- 000

Research Paper

Received:
2000-00-00
Revised:
2000-00-00
Accepted:
2000-00-00
Published:
2000-00-00

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250

Analysis of the position of intelligence studies in international security research

Seyed Hamed Hoseini [1]

Abstract

Intelligence has consistently been part of international security, but it has not always been part of international studies. Accurate, reliable, and timely intelligence enables policymakers, senior military leaders, and heads of state to make informed decisions about security issues, the use of force, and the formulation of plans to counter strategic threats. Planning, collection, processing, analysis, production, and feedback intelligence achieves these goals, because information is one of the activities that states carry out to protect and advance their strategic interests, which are defined in accordance with the concept of national and international security. Based on the theoretical approach of structural realism, this article seeks to answer the role that intelligence studies play in the field of international security and how the use of intelligence helps states achieve their goals. The hypothesis of the article based on the descriptive-analytical research method states that the integration of intelligence studies in the mainstream of international security research is a vital need, without paying attention to this, we are practically facing an incomplete picture of the field of international security research. The research findings state that intelligence studies has been and remains a small part of the intellectual agenda of international studies, although international politics and security affairs have long dominated that agenda.

Keywords: International security, Structural realism, Intelligence studies, State, Threat

1. PhD in International Relations, Department of Political Science, Faculty of Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran
E-mail: hamedhoseini@ut.ac.ir

Publisher: Imam Hussein University

«آفاق امنیت»

تحلیلی بر جایگاه مطالعات اطلاعاتی در پژوهش‌های امنیت بین‌الملل

سید حامد حسینی[۱]

دوره
سال
فصل سال
صص: ۰۰۰-۱۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰

شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵

چکیده

اطلاعات به طور پیوسته بخشی از امنیت بین‌الملل را در بر گرفته است، اما همیشه بخشی از مطالعات بین‌الملل نبوده است. اطلاعات دقیق، معتبر و به موقع به سیاست‌گذاران، رهبران ارشد نظامی و سران کشورها این امکان را می‌دهد که تصمیمات آگاهانه‌ای در مورد مسائل امنیتی، استفاده از زور و تدوین برنامه‌هایی برای رقابت با تهدیدات استراتژیک اتخاذ کنند. برنامه‌ریزی، گردآوری، پردازش، تحلیل، تولید و بازخورد اطلاعات این اهداف را محقق می‌کند، زیرا اطلاعات یکی از فعالیت‌هایی است که دولت‌ها برای حفاظت و پیشبرد منافع استراتژیک خود که منطبق بر مفهوم امنیت ملی و بین‌المللی تعریف می‌شود، انجام می‌دهند. این مقاله با تکیه بر رویکرد نظری واقع‌گرایی ساختاری به دنبال پاسخ به نقشی است که مطالعات اطلاعاتی در عرصه امنیت بین‌الملل ایفا می‌کند و اینکه چگونه کاربرد اطلاعات به دولت‌ها در دستیابی به اهداف خود کمک می‌کند. فرضیه مقاله بر اساس روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بیان می‌کند که ادغام مطالعات اطلاعاتی در جریان اصلی پژوهش‌های امنیت بین‌الملل یک نیاز حیاتی است که بدون توجه به این امر عملاً با یک تصویر ناقص از حوزه تحقیقات امنیت بین‌الملل مواجه هستیم. یافته‌های پژوهش بیان می‌کند که مطالعات اطلاعاتی بخش کمی از دستور کار فکری مطالعات بین‌الملل بوده و باقی مانده است، اگرچه سیاست بین‌الملل و امور امنیتی مدت‌هاست بر آن دستور کار غالب بوده است.

کلیدواژه‌ها: امنیت بین‌الملل، واقع‌گرایی ساختاری، مطالعات اطلاعاتی، دولت، تهدید

۱. دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
E-mail: hamedhoseini@ut.ac.ir

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

مقدمه

از اواخر دهه ۱۹۴۰، مطالعات اطلاعاتی به عنوان یک رشته دانشگاهی مستقل ظهور و رشد کرده است. این رشته در دنیای آنگلوساکسون و با ماهیت مرکزی غربی چه به لحاظ رویکردی و چه به لحاظ الگوهای سازمانی مطرح شد و سپس به سایر حوزه‌های فکری و نظری گسترش یافت. امروزه مطالعات اطلاعاتی، حوزه پژوهش‌های امنیتی را به عنوان یک علاقه تحقیقاتی قدرتمند پوشش می‌دهد. تجزیه‌وتحلیل اطلاعاتی و بحث‌های دانشگاهی در مورد آن، مطالعات اطلاعاتی را مرتبط‌تر، ساختارمندتر و علمی‌تر نموده است. این روند همچنین به تکنیک‌های قابل توجهی که از مدیریت اطلاعاتی می‌آیند اجازه می‌دهد برای سایر زمینه‌های جامعه اطلاعاتی معتبر باشند. با وابستگی بیشتر و بیشتر تحولات بین‌الملل به مدیریت داده‌ها و اطلاعات، فرآیندهای تحلیلی توجه مخاطبان بیشتری را به خود جلب می‌کنند (Erendor, 2021: 14). جدول زیر رویکردهای سه‌گانه به مطالعات اطلاعاتی و حوزه تأثیر هر کدام از آن‌ها را نشان می‌دهد (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۲۱۸):

رویکرد اطلاعاتی	ویژگی‌ها	حوزه تأثیر
مطالعات اطلاعاتی به عنوان زیرشاخه مطالعات سیاسی	▪ یکسانی موضوع و هدف مطالعات اطلاعاتی و سیاسی ▪ مطالعات اطلاعاتی در خدمت مطالعات سیاسی	مطالعات اطلاعاتی برون‌سازمانی و درون‌سازمانی
رویکرد بین‌رشته‌ای	▪ انجام مطالعات اطلاعاتی وابسته به یافته‌های نظری و روش‌شناسی علوم دیگر است و بدون آن‌ها مطالعات اطلاعاتی ممکن نیست. ▪ ابعاد مختلف رفتارها و فعالیت اطلاعاتی توسط علوم گوناگون مرتبط با آن ابعاد مورد مطالعه قرار	پژوهش‌های برون‌سازمانی پژوهش‌های درون‌سازمانی

	می‌گیرد. ▪ رشته مستقل اطلاعات وجود ندارد.	
رویکرد مستقل	▪ موضوع مطالعات اطلاعاتی متمایز و متفاوت از سایر علوم است. ▪ اطلاعات مرزهای مشخصی با سایر علوم دارد. ▪ پژوهشگران بیرونی قادر به تبیین و درک موضوعات اطلاعاتی نیستند.	پژوهش‌های درون‌سازمانی

نقش اطلاعات در دستیابی به اهداف نظامی، اقتصادی، سیاسی و یا سایر اشکال، موضوع جدیدی نیست. اطلاعات یک عنصر حیاتی در توسعه راهبردهای مؤثر امنیت ملی و بین‌المللی باقی مانده است. برای همگام شدن با مفاهیم در حال تغییر امنیتی و راهبردهای مرتبط با آن‌که ظهور می‌کنند، امور اطلاعاتی باید دائماً سازگار شوند. مانند زمان‌های قبلی، اکنون نیز هیچ سیستم اطلاعاتی بینش کامل یا پیش‌بینی‌های دقیق ایجاد نمی‌کند. تحولات بین‌الملل بسیار پیچیده است و سبک تصمیم‌گیری دشمنان آن‌قدر غیرقابل پیش‌بینی است که بدانیم چگونه منافع هر بازیگری را به چالش خواهند کشید. با این حال، آنچه می‌توانیم بگوییم این است که تصمیم‌گیرندگان برای کاهش ابهام در مورد اقدامات آتی رقبای استراتژیک تا حد امکان به اطلاعات موثق نیاز دارند. نه تنها اطلاعات دارای جایگاه مرکزی در سیاست خارجی است، بلکه با تعدادی از موضوعات و رویکردهای روابط بین‌الملل تلاقی می‌کند و به وضوح با این تصور که چرخش اطلاعاتی شکل قدرتمندی از توان دیپلماسی و چانه‌زنی است ارتباط دارد. به طور کلی‌تر، اگرچه اطلاعات از منابع مخفی استفاده می‌کند، اما وظیفه عمومی اطلاعات با روابط بین‌الملل همسان است و هر دو به دنبال درک محیط بین‌الملل هستند.

سازمان‌های اطلاعاتی به چهار دلیل اصلی وجود دارند: نخست، برای جلوگیری از غافلگیری استراتژیک؛ هدف اصلی یک سازمان اطلاعاتی آگاهی از تهدیدات علیه امنیت یک دولت است (این امر ممکن است همیشه کارساز نباشد، همان‌طور که در عملیات پرل هاربر ۱۹۴۱، حمله مصر

و سوریه به اسرائیل در ۱۹۷۳، حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، سقوط موصل توسط داعش در ۲۰۱۴، ترور سردار قاسم سلیمانی در ۲۰۲۰، عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ از سوی حماس و نیز ترور دبیرکل حزب الله لبنان در ۲۰۲۴ مشخص شد). دوم، برای ارائه تخصص طولانی‌مدت؛ بر خلاف سیاستمداران که گذرا هستند، چه انتخاب شده باشند و چه غیر منتخب، اما افسران اطلاعاتی بوروکرات‌هایی هستند که تجربه و دانش فراوانی در مورد مسائل خاص به دست آورده‌اند. سیاستمداران باید به توصیه‌های آن‌ها تکیه کنند. در شکل نظری، آن‌ها ثبات و توصیه‌های بی‌طرفانه ارائه می‌دهند، اگرچه این امر به تدریج در برخی از کشورهایی که سازمان‌های اطلاعاتی به طور فزاینده‌ای سیاسی شده‌اند، تضعیف شده است. سوم، برای حمایت از روند سیاست‌گذاری؛ سیاست‌گذاران به اطلاعات دقیق و به موقع در مورد ارزیابی ریسک، اطلاعات زمینه‌ای و مزایا و نتایج احتمالی نیاز دارند تا آن‌ها را قادر به تصمیم‌گیری کند. در نظریه سازمان‌های اطلاعاتی در حالی که دولت تصمیم می‌گیرد، اطلاعات را ارائه می‌دهند. چهارم، برای حفظ محرمانه بودن اطلاعات، نیازها و روش‌ها؛ این پنهان‌کاری است که سازمان‌های اطلاعاتی را منحصر به فرد می‌کند (Moran, 2015: 180).

موانع عمده‌ای بر سر راه توسعه مطالعات اطلاعاتی وجود دارد که عبارت‌اند از: نخست، بی‌میلی بسیاری از دولت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی برای در دسترس قرار دادن آرشیوهای خود به عنوان داده‌های اولیه پژوهش‌های تاریخی درباره اطلاعات؛ دوم، مشخص نبودن و ابهام در تعریف و حد و مرز مطالعات اطلاعاتی و رابطه آن با رشته‌های هم پیوند مانند علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و سوم، نبود روش‌شناسی مشخص در مطالعات اطلاعاتی (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۲۰۹). با این وجود، مطالعات اطلاعاتی به عنوان یک رشته دانشگاهی مستقل با استفاده از تخصص افسران اطلاعاتی سابق و پژوهشگران دانشگاهی مرتبط که به دنبال راه‌هایی برای بهبود این رشته هستند، با مرور شیوه‌های گذشته و استفاده از تکنیک‌های علوم اجتماعی در حال تکامل است. با این حال، چنین توسعه‌ای در عرصه پژوهش‌های امنیت بین‌الملل کمتر شکل گرفته است و نیاز به تولید آثار پژوهشی نظری و عملیاتی وجود دارد تا به غنی شدن این رشته کمک شایانی نماید و متعاقباً به تکامل مطالعات اطلاعاتی در آینده قابل پیش‌بینی منجر شود.

ادبیات نظری

اطلاعات به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها - از برنامه‌ریزی و جمع‌آوری اطلاعات تا تجزیه‌وتحلیل و انتشار - اشاره دارد که به صورت مخفیانه و با هدف حفظ یا افزایش امنیت نسبی با ارائه هشدارهای قبلی در مورد تهدیدات احتمالی به شیوه‌ای که امکان به موقع اجرای یک سیاست یا استراتژی پیشگیرانه از جمله فعالیت‌های مخفی را فراهم می‌کند، انجام می‌شود. سازمان‌های اطلاعاتی سازمان‌دهی می‌شوند تا مزیت نسبی را تضمین کنند (Gill, 2006: 7). بر این اساس، اگر بخواهیم بپرسیم که چرا دولت‌ها اطلاعات را ضروری می‌دانند، می‌توانیم پاسخ دهیم که اطلاعات، سازمانی است که از طریق آن دولت‌ها به دنبال حفاظت یا گسترش مزیت نسبی خود هستند. بدین لحاظ، سازمان‌های اطلاعاتی در رقابت و نبرد دائمی هستند.

مایکل وارنر[2] استدلال کرد که اطلاعات شکل خاصی از ماهیت پنهان (پایه اصلی) داده اطلاعاتی است که به سیاست‌گذاران یا فرماندهان عملیاتی اجازه می‌دهد تا تصمیمات مؤثرتری بگیرند. این ایده ابزاری از اطلاعات به عنوان نوع خاصی از اطلاعات است که مقدمه سیاست‌گذاری را تشکیل می‌دهد و تصمیم‌گیری را مؤثرتر می‌کند و نیز یک مفهوم‌سازی کلاسیک غربی است که در طول زمان تغییر چندانی نکرده است (Warner, 2002). اطلاعات به خودی خود یک هدف نیست؛ این امر کمکی اساسی به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نظامی است و در حالت ایدئال باید هشدار به موقع در مورد رویدادهایی که می‌خواهیم پیش‌بینی کنیم باشد و پیشینه اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی ارائه کند. باید توجه داشت که اقدام پنهان فقط زمانی معنا دارد - و باید انجام شود - که توسط سیاست‌گذاران دارای مجوز قانونی در تعقیب اهداف خاصی که با هیچ وسیله دیگری قابل دستیابی نیست، انجام شود. اقدام پنهان نمی‌تواند جایگزین یا جبران یک سیاست ضعیف باشد. فرآیند برنامه‌ریزی برای اقدام پنهان باید با توجیه سیاست‌گذاران، مشخص کردن شفاف منافع و اهداف امنیت ملی که در خطر است و اعتقاد به این‌که اقدام پنهان وسیله‌ای قابل اجرا و همچنین بهترین وسیله برای دستیابی به اهداف مشخص است، آغاز شود.

2 Michael Warner

مرز بین اطلاعات[3] و معلومات[4] و داده[5] کجاست؟ حتی اگر تمام معلومات جمع‌آوری‌شده را به دقت مطالعه کنید، به همان اندازه که مهم است کافی نیست. به ندرت پاسخ صحیح از داده‌های جمع‌آوری‌شده خارج می‌شود. پاسخ‌ها مثل قسمت‌هایی از یک جورچین تکه‌تکه و پراکنده هستند که قطعات یا گم‌شده و یا آسیب دیده‌اند. با استفاده از معلومات جمع‌آوری‌شده، که برخی از آن‌ها باید ابتدا توسط سایر ابزارهای فنی مورد بهره‌برداری قرار گیرند تا به درستی درک شوند، تحلیلگر هر بخش از داده‌ها را به صورت جداگانه و به عنوان یک کل بررسی می‌کند تا یک ارزیابی معنادار و دقیق ایجاد کند. استخراج معنای معلومات جمع‌آوری‌شده برای ایجاد ارزیابی، که به عنوان اطلاعات منتشر می‌شود، هدف نهایی تحلیل است. شکل زیر اثر محیط عملیاتی بر فرآیند برنامه‌ریزی اطلاعاتی را نشان می‌دهد (Garner, 2019: 137).

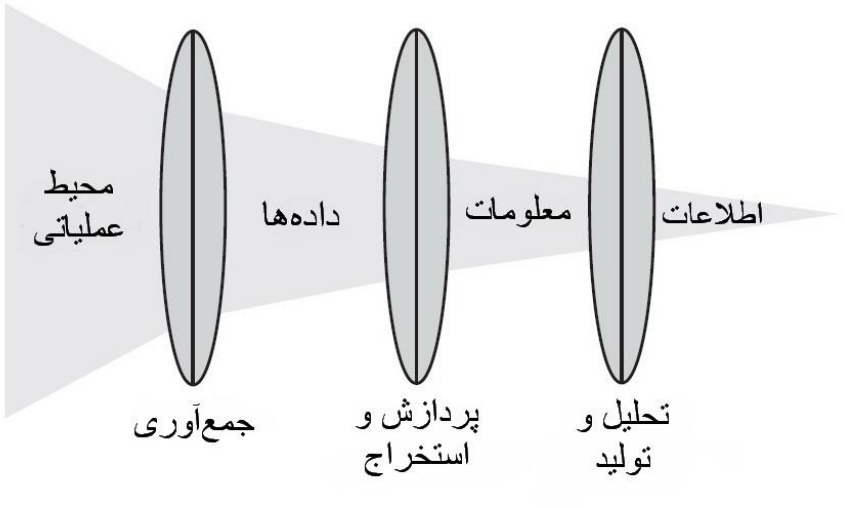

شکل ۱: رابطه بین محیط و اطلاعات

مارک لونتال[6] استدلال می‌کند که کلمه اطلاعات به سه روش مختلف استفاده می‌شود. ابتدا به عنوان فرآیندی که از طریق آن اطلاعات توسط سیاست‌گذاران یا فرماندهان عملیاتی

3 intelligence
4 information
5 data
6 Mark Lowenthal

درخواست می‌شود، سپس جمع‌آوری، تجزیه‌وتحلیل و به مصرف‌کنندگان داده می‌شود. این روند اغلب به عنوان چرخه اطلاعاتی شناخته می‌شود، اگرچه ماهیت این چرخه مورد بحث است. دوم، اطلاعات می‌تواند یک محصول باشد، زمانی که به صورت گزارش منتشر می‌شود، اما اکنون از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی چند سطحی توزیع می‌شود. سوم، سرویس‌های اطلاعاتی به شکل نهادها هستند. همان‌طور که از نام آن‌ها پیداست، آن‌ها اغلب خدمات متنوعی را به دولت ارائه می‌دهند و این امر به طور فزاینده‌ای مستلزم تلاش‌های فعال برای شکل دادن به محیط امنیتی پیرامونی و همچنین ارائه گزارش در مورد آن است (Lowenthal, 2019). مایکل هرمان[۷]، اطلاعات را شکلی از قدرت تعریف می‌کند که بی‌شباهت به قدرت نظامی یا قدرت اقتصادی نیست. مطمئناً، برای کشورهای توسعه‌یافته، اطلاعات بخش مهمی از گسترش قدرت و نفوذ است که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا نیروی نظامی را در سطح بالاتری به نمایش بگذارند. انقلاب در امور نظامی به توانایی رو به رشد برای استفاده از مقادیر غیرقابل تصور داده در مسیر هدایت عملیات نظامی مرتبط است و بنابراین اطلاعات جزء مهمی از ماهیت متغیر جنگ را تشکیل می‌دهد (Herman, 1996).

دستگاه‌های اطلاعاتی بخشی از ساختار اداری و دیوانی دولت‌های کلاسیک و مدرن هستند که قدمت و پیشینه طولانی دارند. نکته قابل توجه آنکه تمامی دولت‌ها، از شدیدترین حکومت‌های استبدادی تا مردمی‌ترین حکومت‌ها، چنین نهادهایی داشته و دارند. در استقرار دموکراتیک‌ترین حکومت‌ها نیز تردیدی نسبت به وجود این دستگاه‌ها ایجاد نشده است. به عبارت دیگر طرح این ادعا دور از ذهن نمی‌باشد که تقریباً در هیچ دولتی فلسفه وجود دستگاه‌های اطلاعاتی مورد تشکیک واقع نشده است. ماهیت حکومت و نگرش حکمرانان و همچنین اقتضائات هر عصری، دامنه و حجم مأموریت این نهادها را متغیر و مشخص می‌سازد (شهریاری و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۸).

در حالی که اطلاعات اغلب قدرت دولت‌ها را تقویت کرده است، بخش بزرگی از زیرساخت اطلاعات ملی اکنون در دستان بخش خصوصی است. بارزترین نمونه‌ها، ارائه‌دهندگان خدمات مخابراتی و اینترنتی هستند که به طور فزاینده‌ای بر اساس قانون مجبور به همکاری با دولت به

7 Michael Herman

عنوان گردآورندگان اطلاعات هستند. علاوه بر این، تأکید فزاینده بر مشارکت دولتی-خصوصی برای حفاظت از زیرساخت‌های ملی تضمین می‌کند که کسب‌وکارهایی مانند خطوط هوایی و بانک‌ها نه‌تنها جمع‌آوری اطلاعات، بلکه مصرف‌کنندگان مهمی نیز هستند. در همین حال، سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی دولتی به عقد قرارداد با طیف وسیعی از بازیگران خصوصی در حوزه فعالیت‌های خود روی آورده‌اند. حدود یک‌سوم کارمندان سیا پیمانکاران بخش خصوصی هستند، بنابراین اطلاعات دیگر یک فعالیت عمدتاً دولتی نیست. به بیانی دیگر می‌توان به منافع متقابل دولت و بخش خصوصی اشاره کرد که به شکل حمایت در ازای نظارت و امنیت در ازای داده، خود را نشان می‌دهد.

در برهه کنونی، اطلاعات در مسیری از سلطه دولت به شرکت‌ها و شاید در نهایت به افراد حرکت می‌کند. در قرن بیستم، اهداف جمع‌آوری اطلاعات بیشتر سخت‌افزارهای دفاعی بود و بنابراین سرویس‌های اطلاعاتی دولتی رهبری آن را بر عهده گرفتند. در اوایل قرن بیست و یکم، بازیگران دردسرسازی مانند جنگ‌سالاران، فروشندگان مواد مخدر، قاچاقچیان انسان و تروریست‌ها به گردآورندگان اطلاعات افزوده شدند. همچنین شرکت‌های مسافربری، هتل‌ها و سوپرمارکت‌ها، بازیگرانی هستند که بیشترین داده‌ها را در مورد افراد دارند. سازمان‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نیز جمع‌آوری اطلاعات را پذیرفته‌اند. پس از ۱۱ سپتامبر، نیویورک سرویس‌های اطلاعاتی خود را ایجاد کرد. اتحادیه اروپا سیستم ماهواره‌ای خود را دارد و اطلاعات را جزء ضروری سیاست خارجی و امنیتی خود می‌داند. ظهور سازمان ملل متحد به عنوان یک بازیگر مهم منجر به نیاز به اطلاعات برای حمایت از عملیات حفظ صلح و در نتیجه ارتباط با گروه کوچکی از کشورهای غربی با تجربه و توانایی‌های جهانی مورد نیاز شده است. دیوان کیفری بین‌المللی سازمان ملل، دارای یک بازوی تحقیقاتی با قابلیت اطلاعاتی قابل توجه است.

مطالعات اطلاعاتی اکنون به مرحله‌ای از توسعه خود رسیده است که می‌تواند سؤالات مهم و جالبی را مطرح کند و با ارجاع به طیف گسترده‌ای از بازیگران، هم از نظر جغرافیا و هم از نظر سطح تحلیل، پاسخ‌هایی را برای آن‌ها پیشنهاد کند. اکنون می‌توان مسیر مطالعات اطلاعاتی را شناسایی کرد که آن را از مسائل دهه ۱۹۵۰ به مجموعه‌ای گسترده‌تر از نگرانی‌های بین‌المللی رسانده است. این تحولات را در جدول زیر می‌توان خلاصه نمود (Gill, 2016: 15).

جدول ۱: تحول مطالعات اطلاعاتی

	مطالعات اولیه	مطالعات معاصر
مبنای تعریف	نظم واحد و درون رشته‌ای	تحول میان‌رشته‌ای
تمرکز موضوعی	محدود: اطلاعات ملی و استراتژیک	گسترده: اطلاعات امنیتی از جمله امنیت انسانی
دغدغه‌های مفهومی	نظریه‌هایی برای اطلاعات	نظریه‌های اطلاعاتی
پرسش‌های کلیدی	نحوه بهبود تحلیل رابطه تحلیلگر و سیاست‌گذار چگونه از شکست اطلاعاتی جلوگیری کنیم	رابطه بین اطلاعات، دولت و فرد نظارت و پاسخگویی علل شکست اطلاعاتی
تمرکز مکانی	اطلاعات ایالات متحده/ بریتانیا	اطلاعات بین‌المللی/ تطبیقی
سطح تحلیل	ملی	چند سطحی: سازمانی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
مخاطبان	دست‌اندرکاران امنیت ملی، به ویژه ایالات متحده	دست‌اندرکاران، سیاست‌گذاران، محققان، دانش‌پژوهان، دانشجویان و شهروندان دغدغه‌مند

به طور هم‌زمان، نهاد دانشگاه نیز از طریق توسعه کادری از متخصصان مطالعات اطلاعاتی عمدتاً در دپارتمان‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، مطالعات امنیتی و بررسی استراتژیک به تکامل این رشته کمک کرده است که خروجی این روند در تولید آثار پژوهشی مرتبط لحاظ گردیده است. متخصصان اطلاعاتی در فصلنامه‌ها و کنفرانس‌هایی که توسط انجمن‌های علمی و حرفه‌ای مختلف برگزار می‌شود، شرکت کردند و مقالات تحقیقاتی ارائه کردند که منجر به پیشرفت این رشته شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهشگر	عنوان پژوهش	یافته‌ها
لاک جانسون[8]، ۲۰۰۷، انتشارات راتلج	راهنمای مطالعات اطلاعاتی	این اثر مروری جامع از سازمان‌ها و فعالیت‌های اطلاعاتی مخفی ارائه می‌کند. کارشناسان پیشرو در این زمینه به سه مأموریت عمده اطلاعاتی پرداخته‌اند: جمع‌آوری و تجزیه‌وتحلیل، اقدام پنهان و ضد جاسوسی. در هر یک از این مأموریت‌ها، مقالات نوشته شده به صورت پویا و ذیل چرخه اطلاعاتی قرار گرفته است تا چالش‌های جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات از سراسر جهان را آشکار کند. نویسندگان علاوه بر این، مشکلات مربوط به ضد جاسوسی، حفاظت از اسرار در برابر جاسوسان خارجی و سازمان‌های تروریستی و نیز مسئله پاسخگویی اطلاعاتی را بررسی می‌کنند.
پاتریک والش[9]، ۲۰۱۱، انتشارات راتلج	اطلاعات و تحلیل اطلاعاتی	این کتاب تحولات پس از ۱۱ سپتامبر در موضوع امنیت ملی و ارتباط آن با حوزه‌های نوظهور عملکرد اطلاعاتی مانند محیط‌های نظارتی را دنبال می‌کند. تحولات به صورت موضوعی در سه بخش

8 Lock Johnson
9 Patrick Walsh

		گسترده بررسی می‌شوند: کاربردهای اطلاعاتی، درک ساختار و توسعه دیسیپلین مطالعاتی. مسائل مورد بررسی عبارت‌اند از: درک مدل‌های اطلاعاتی، چالش‌های مدیریت استراتژیک اطلاعات، ظرفیت‌سازی اطلاعاتی و ابعاد اخلاقی عمل اطلاعاتی. هدف‌گذاری اثر معطوف بر این امر بوده است که تحولات نظری و عملی قابل توجهی در نمونه‌های از حوزه‌های اطلاعاتی کلاسیک و نوظهور گرد هم آورد و دیدگاهی جامع‌تر و بین‌رشته‌ای‌تر در چندین زمینه عملی مختلف به مخاطب ارائه دهد.
کارل ینسن[10]، ۲۰۱۷، انتشارات راتلج	مقدمه‌ای بر مطالعات اطلاعاتی	این اثر بررسی جامع از مسائل اطلاعاتی و امنیتی که امروزه خصوصاً ایالات متحده با آن مواجه است ارائه می‌دهد. چالش تعریف اطلاعات و انواع کارکردهای نهادهای اطلاعاتی مرتبط با سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان به عنوان هدف‌گذاری اثر مطرح شده است. از زمان حملات ۱۱ سپتامبر، جامعه اطلاعاتی ایالات متحده تحت بازنگری گسترده قرار گرفته است. پژوهش در یک توالی عملی طراحی شده است؛ با مبانی اطلاعاتی آغاز می‌شود، در طول تاریخچه آن

10 Carl Jensen

		پیشرفت می‌کند، شیوه‌ها را توصیف می‌کند و در نهایت نحوه نگاه و عملکرد جامعه اطلاعاتی امروز را بررسی می‌کند. نویسندگان ستون‌های سیستم اطلاعاتی آمریکا یعنی جمع‌آوری، تجزیه‌وتحلیل، ضد جاسوسی و عملیات مخفی را بررسی می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه این‌ها با هم برای ایجاد مزیت تصمیم‌گیری کار می‌کنند.
گادفری گارنر[11]، ۲۰۱۹، انتشارات سی آر سی	مبانی تحلیل اطلاعاتی	درحالی‌که اصول بیان‌شده در کتاب عمدتاً از اصطلاحات و عملکرد اطلاعات نظامی پیروی می‌کند، اما مفاهیمی در ارتباط با جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه‌وتحلیل انجام‌شده در اجرای قانون، امنیت داخلی و نقش‌های امنیتی شرکت‌های تجاری نیز ارائه شده است. فصل‌ها روش‌های تحلیلی را توصیف می‌کنند که به طور گسترده در جامعه اطلاعاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند و به عنوان استانداردها و معیارهای شناخته شده در عمل تجزیه‌وتحلیل اطلاعاتی عمل می‌کنند. همه تکنیک‌ها برای گنجاندن نمونه‌های واقعی مفاهیم و کاربرد خاص آن‌ها در امنیت داخلی، تحقیقات جنایی و عملیات اطلاعاتی انتخاب شده‌اند. روش‌های

11 Godfrey Garner

		جمع‌آوری و تجزیه‌وتحلیل به سبک نظامی، اصلی‌ترین روش‌های ارائه‌شده هستند، اما همگی به طور مستقیم با مفاهیم، عملکردها و شیوه‌های فعلی در امنیت داخلی و جوامع حقوقی مرتبط هستند.
بهادر شهریاری، بهزاد قاسمی و روح‌الله غلامی، ۱۴۰۲، فصلنامه آفاق امنیت	خوانشی از رابطه تاریخ و اطلاعات؛ جایگاه مطالعات تاریخی در فرایند شناختی نهادهای اطلاعاتی	مقاله متناسب با نقش شناختی سازمان‌های اطلاعاتی، تأثیر تاریخ بر آن نهاد را بررسی نماید. سؤال مقاله بر تبیین تأثیر تاریخ بر نهادهای اطلاعاتی متمرکز گردیده و یافته‌های مقاله حکایت از آن دارد به اقتضای تحولات عصر جدید، نقش شناختی اصلی‌ترین عامل در شکوفایی ظرفیت نهادهای اطلاعاتی است. به میزان تسهیل، تأمین و تحقق نقش شناختی، توانمندی و نقش‌آفرینی پایدار دستگاه‌های مزبور حاصل می‌گردد. تاریخ، با انبوه اطلاعات و تجارب، از مهم‌ترین عوامل در تأمین نقش شناختی نهادهای اطلاعاتی هست. بدین خاطر، تاریخ را می‌بایست از منابع اطلاعات برتر دانست. توجه به آن، از مهم‌ترین عواملی است که زمینه دستیابی به برتری اطلاعاتی و اشرافیت همه‌جانبه را فراهم می‌آورد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از منظر روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی می‌باشد. ویژگی داده‌های اثر کیفی بوده و روش جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و رجوع به پایگاه‌های اینترنتی، مقالات و گزارش‌های راهبردی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات و واقع‌گرایی ساختاری

بین اطلاعات و واقع‌گرایی ساختاری رابطه تنگاتنگی وجود دارد. امنیت و تأمین مزیت نسبی یک مسئولیت اطلاعاتی است و واقع‌گرایی ساختاری رویکردی توضیحی برای نظریه‌های روابط بین‌الملل است که بیشترین تمرکز را بر امنیت دارد. الزام اولی از تحلیل دومی نسبت به نظام بین‌الملل و درک رفتار احتمالی دولت‌ها در شرایط آنارشی ناشی می‌شود. این بدان معنی است که واقع‌گرایی ساختاری توضیحی نظری برای برخی از سؤالات کلیدی در مطالعات اطلاعاتی ارائه می‌دهد، مانند اینکه چرا اطلاعات لازم است و چرا سازمان‌های اطلاعاتی با گذار از جنگ سرد از بین نرفتند. اطلاعات در واقع جایگاهی مرکزی در تفکر واقع‌گرایی ساختاری به خود اختصاص می‌دهد، هرچند که گاهی اوقات بیشتر ضمنی است تا آشکار. همان‌طور که ذکر شد، نیاز به آن ناشی از مفروضات اصلی در مورد ماهیت نظام بین‌الملل است که واقع‌گرایان ساختاری آن را مطرح می‌کنند. برای واقع‌گرایان ساختاری این‌ها عبارت‌اند از:

- قدرت‌های بزرگ بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل هستند و در یک نظام بین‌الملل آنارشیک عمل می‌کنند؛
- همه دولت‌ها دارای برخی از قابلیت‌های نظامی تهاجمی هستند؛
- دولت هرگز نمی‌تواند در مورد نیات دولت‌های دیگر مطمئن باشد؛
- هدف اصلی دولت‌ها بقا است؛
- دولت‌ها بازیگران عقلانی و محاسبه‌گر هستند (Mearsheimer, ۲۰۰۱:۳۰-۳۱).

ترکیبی از این عوامل است که برای واقع‌گرایان ساختاری، یک رقابت امنیتی بی‌پایان ایجاد می‌کند که دیگر فقط دولت‌ها بازیگران اصلی عرصه امنیت بین‌الملل نیستند. به طور خاص، این مفروضات است که نیاز به امر اطلاعاتی را توضیح می‌دهد. دولت‌ها در نهایت می‌خواهند بدانند که آیا دولت‌های دیگر مصمم به استفاده از زور برای تغییر موازنه قدرت هستند، یا آن‌قدر از آن راضی هستند که علاقه‌ای به استفاده از زور برای تغییر آن ندارند. با این حال، مشکل این است که تشخیص مقاصد دولت دیگر با درجه بالایی از اطمینان تقریباً غیرممکن است. برخلاف قابلیت‌های نظامی، نیت‌ها را نمی‌توان به طور تجربی تأیید کرد. نیت در ذهن تصمیم‌گیرندگان است و تشخیص آن‌ها دشوار است. می‌توان پاسخ داد که سیاست‌گذاران مقاصد خود را در سخنرانی‌ها و اسناد سیاست‌گذاری افشا می‌کنند که قابل ارزیابی است. مشکل این استدلال این است که سیاست‌گذاران گاهی اوقات در مورد مقاصد واقعی خود دروغ می‌گویند یا پنهان می‌کنند. اما حتی اگر بتوان نیات دولت دیگری را تعیین کرد، هیچ راهی برای تعیین نیات آینده آن وجود ندارد. غیرممکن است که بدانیم چه کسی پنج یا ده سال بعد در هر کشوری سیاست خارجی را اداره خواهد کرد، چه رسد به اینکه آیا آن‌ها نیات تهاجمی خواهند داشت یا خیر. این بدان معنا نیست که دولت‌ها می‌توانند مطمئن باشند که همسایگان آن‌ها اهداف تجدیدنظرطلبانه دارند یا خواهند داشت. در عوض، بحث این است که سیاست‌گذاران هرگز نمی‌توانند مطمئن باشند که آیا با یک دولت تجدیدنظرطلب سروکار دارند یا حامی وضعیت موجود.

از این رو، پذیرش اعتبار این مفروضات زیربنای سرمایه‌گذاری دولت در امر اطلاعاتی است. کار اطلاعاتی، از طریق جمع‌آوری و تجزیه‌وتحلیل، کاهش این عدم اطمینان در مورد نیات فعلی و آینده دولت‌های دیگر، تلاش برای کشف آگاهی و ارائه هشدارهای اولیه در مورد هرگونه مشکل پیش رو و در نتیجه کاهش ترس است. سرمایه‌گذاری دولت در اطلاعات مبتنی بر وجود آنارشی بین‌المللی است که در آن اعتماد بین دولت‌ها پایین است و همان‌طور که کنث والتز می‌گوید، ممکن است جنگ رخ دهد، زیرا چیزی برای جلوگیری از آن وجود ندارد (Waltz, 1954: 232). این سیستم یک نظام خودیار است که در آن هیچ مقام بالاتری برای نجات دولت‌ها وجود ندارد. به همین دلیل، کشورها می‌توانند سازمان‌هایی را ساماندهی کنند تا در صورت نیاز و در صورت لزوم مخفیانه عمل کنند. این شامل درگیر شدن در اقدامات پنهانی است

که برای محافظت یا گسترش مزیت نسبی طراحی شده است. همان‌طور که مشخص است، دیدگاه واقع‌گرایی ساختاری توضیحی برای مرکزیت رازداری در اطلاعات نیز ارائه می‌دهد. در یک سیستم خودیار، رازداری برای موفقیت عملیات، دورنمای تکرار موفقیت‌آمیز آن‌ها و به حداقل رساندن خطر واکنش از سوی دیگر دولت‌ها (یا بازیگران غیردولتی) ضروری است، با توجه به اینکه دولت‌ها نمی‌توانند به هیچ بازیگر دیگری اعتماد کنند تا امنیت آن‌ها را تأمین کند، در یک قلمرو رقابتی ذاتی دولت‌های ثانویه به دنبال تقلید از شیوه‌های اطلاعاتی و نوآوری‌های دولت‌های پیشرو هستند، نه کمتر از نوآوری‌های نظامی‌شان.

اگرچه تفاوت‌های واضحی بین نحوه نگرش واقع‌گرایان تهاجمی و تدافعی به جهان وجود دارد، اما نیاز به اطلاعات در هر دو رویکرد بسیار لازم است. تفاوت اصلی در این واقعیت نهفته است که واقع‌گرایی تدافعی بر دو فرض استوار است؛ اینکه نظام بین‌الملل آنارشیک است و دولت‌ها به دنبال بقا هستند، اما فرض نمی‌شود که دولت‌ها همیشه عقلانی عمل می‌کنند. با این حال، فقدان این فرض نیاز به اطلاعات دقیق را بیش‌ازپیش ضروری می‌کند. از این رو، همان‌گونه که واقع‌گرایی ساختاری می‌تواند توضیحاتی درباره سایر پدیده‌ها ارائه دهد، مثلاً شرایطی که دولت‌ها در آن به دنبال اشاعه هسته‌ای هستند، همچنین می‌تواند شرایطی را که نیاز به اطلاعات را به وجود می‌آورد، توضیح دهد (Sagan, 1997).

هشدار و غافلگیری

به جهت پیوند و تأثیر اطلاعات بر عرصه امنیت بین‌الملل می‌توان اطلاعات را بر اساس کاربرد در سه سطح دسته‌بندی کرد: نخست، اطلاعات راهبردی: اطلاعاتی که برای تکوین طرح‌های سیاسی و نظامی، در سطوح ملی و بین‌المللی مورد نیاز است را اطلاعات راهبردی گویند. این بالاترین سطح اطلاعات به دست آمده از داده‌های جمع‌آوری‌شده و در گسترده‌ترین حوزه ممکن در پاسخ به نیازهای دولت‌های ملی نسبت به طیف کاملی از مسائل نظامی ملی و بین‌المللی، دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی است؛ دوم، اطلاعات عملیاتی: اشاره به اطلاعات مورد نیاز جهت برنامه‌ریزی و هدایت مبارزات در سطح عملیاتی دارد. به طور خاص، این اطلاعات، اطلاعات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی، اجرا و پشتیبانی از مبارزات و عملیات در صحنه توسط ستاد مشترک

است؛ و سوم، اطلاعات تاکتیکی: اطلاعاتی که جهت برنامه‌ریزی و هدایت عملیات تاکتیکی مورد نیاز است. اطلاعاتی که از سطح مرکز فرماندهی تشکیلات گرفته تا سطوح پایین‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در حوزه تشکیلات مورد نظر یا جهت استفاده واحدهای تاکتیکی تولید می‌شود (آشوری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱).

تا پیش از قرن بیستم، اطلاعات نظامی نسبتاً دارای اهمیت بالایی نبود. پس از آن، ورود تحرک استراتژیک فرصت‌های جدیدی را برای حمله غافلگیرانه ارائه کرد. تهاجم هیتلر به روسیه در ژوئن ۱۹۴۱ و حمله ژاپن به پرل هاربر در اواخر همان سال نمونه‌های دراماتیکی بودند. آغاز جنگ در کره در سال ۱۹۵۰، چکسلواکی در سال ۱۹۶۸، جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳، جنگ فالکلند در سال ۱۹۸۲ و تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ همراه با عملیات روسیه در گرجستان در سال ۲۰۰۸ و اوکراین در سال ۲۰۱۴ همه نمونه‌های موفقیت‌آمیز غافلگیری و شکست اطلاعاتی بود (Andrew, 2018). شاید به این دلیل که سیاست‌گذاران هشدار در برابر غافلگیری را مهم می‌دانند و این حوزه به شدت مورد مطالعه و نظریه‌پردازی قرار گرفته است. در سال ۱۹۷۳، بارتون ویلی[۱۲] مطالعه راهگشای حمله غافلگیرانه هیتلر به روسیه را منتشر کرد، که در ژوئن ۱۹۴۱ آغاز شد. اگرچه این بررسی در درجه اول یک روایت تاریخی بود، اما در پی آن بود که بسیاری از موارد مهم روان‌شناختی اطلاعاتی یعنی جنبه‌های غافلگیری برای قربانی و همچنین راهبردهای مورد استفاده متجاوز برای دستیابی به فریب را ترسیم کند.. این امر باعث شد تحقیقات حوزه سیاست و امنیت بین‌الملل به طور فزاینده‌ای در مورد مشکلات ادراک و فریب در چرخه اطلاعاتی انجام شود.

در سال ۱۹۷۷، رابرت جرویس[۱۳] یکی از اولین آثار مهم را در حوزه وسیع‌تر روابط بین‌الملل منتشر کرد که اطلاعات را به شدت جدی گرفت. اثر وی با عنوان برداشت و سوء برداشت در سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد که ادراکات مهم هستند و اغلب دولت‌هایی که تصویری خصمانه از مخالفان و دشمنان خود ایجاد می‌کنند، اطلاعات را مطابق با آن ایده ثابت تفسیر می‌کنند که منجر به درگیری غیرضروری بر سر مسائل جزئی می‌شود. جرویس به شکل خوش‌بینانه‌ای پیشنهاد کرد که تحلیلگران اطلاعاتی می‌توانند برای جلوگیری از برخی از بدترین مشکلات ادراک

12 Barton Whaley
13 Robert Jervis

آموزش‌های لازم را ببینند (Jervis, 1977). ریچارد بتس[14] نیز یک تحلیل مقایسه‌ای پیچیده از حمله غافلگیرانه ارائه کرد. وی این پرسش را مطرح کرد که چرا با وجود جوامع اطلاعاتی دقیق، حملات غافلگیرکننده اغلب موفق می‌شوند؟ بتس استدلال کرد که جمع‌آوری ضعیف داده‌های خام - به عبارت دیگر جاسوسی میدانی ناکافی - احتمالاً دلیل شکست است. در بررسی وی مقصران اصلی غافلگیری اطلاعاتی به سه دسته تقسیم می‌شوند: ناکارآمدی بوروکراتیک، مسائل ادراک روان‌شناختی یا ناهماهنگی شناختی و مداخله سیاسی بیش از حد توسط سیاست‌گذاران. او به‌طور برجسته‌ای نتیجه‌گیری کرد که شکست‌های اطلاعاتی اجتناب‌ناپذیر هستند (Betts, 1978).

بحث بر سر شکست اطلاعات استراتژیک با دو رویداد مهم تشدید شد. اولین مورد، عدم هشدار در مورد حملات ۱۱ سپتامبر به ایالات متحده است. دوم، شکست گزارش برنامه کشتار جمعی در ارتباط با حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ است. بازیگران مختلفی در سراسر جهان می‌خواستند بدانند چرا میلیاردها دلار در سال برای امور اطلاعاتی خرج کرده‌اند و در مقابل اطلاعات ضعیفی دریافت کرده‌اند. کشورهایی از جمله ایالات متحده، بریتانیا، استرالیا و دانمارک تحقیقاتی را در مورد شکست اطلاعاتی آزاردهنده سلاح‌های کشتار جمعی آغاز کردند، به این امید که ممکن است در آینده بازدهی بهتری از سرمایه‌گذاری خود به دست آورند. با این حال، حتی با ادامه این تحقیقات، بودجه‌های اطلاعاتی با سرعت بالایی به افزایش خود ادامه دادند، که نشان‌دهنده رابطه معکوس بین عملکرد و پاداش است. مطمئناً در دنیای اطلاعاتی، هیچ چیز مانند شکست امری مطلوب نیست، زیرا بودجه‌ها در پی یک فاجعه بزرگ به امید جلوگیری از غافلگیری تلخ دیگر، بیشتر می‌شوند. روایت کلی موضوع سلاح‌های کشتار جمعی عراق عمدتاً از نظر سیاسی کردن فرآیند اطلاعاتی به ما منتقل شده است. دیدگاه غالب در رسانه‌ها این است که تهاجم به عراق با ساختن یک پرونده اطلاعاتی که مطابق با انگیزه‌های سیاسی غالب بود، به مردم فروخته شد و تصمیم قبلی برای حمله به عراق را که در اوایل سال ۲۰۰۲ گرفته شد، تسهیل کرد. نمونه دیگر سیاسی سازی فرآیند اطلاعاتی، اتهام به بخش سیاسی دولت و مشخصاً بنیامین نتانیاهو برای جلوگیری از تصمیم بر مبنای هشدارهای جامعه اطلاعاتی اسرائیل درباره مقاصد حماس در

14 Richard Betts

جریان عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ است. ادبیات حمله غافلگیرانه و شکست اطلاعاتی چشمگیر است؛ این به نوبه خود منجر به درک پیچیده‌ای از تعامل اطلاعات و امنیت در چارچوب گسترده‌تر تحلیل مسائل امنیت بین‌الملل شده است.

عدم قطعیت

آژانس‌های اطلاعاتی اغلب این ادعا را مطرح کرده‌اند که توانایی آن‌ها در ارائه شفافیت عمومی به سیستم بین‌المللی به رفع عدم اطمینان و بهبود ثبات کمک می‌کند. مایکل هرمان بیان کرد در حالی که فعالیت‌های اطلاعاتی هر کشور در یک محیط رقابتی انجام می‌شود، شفافیت حاصل می‌تواند به عنوان یک کالای عمومی یا یک کالای بین‌المللی عمل کند (Herman, 1996). اطلاعات ابزار هشداری است که قدرت‌ها به دنبال مدیریت نظام بین‌المللی به نفع مستمر خود هستند. چنین مدیریت بین‌المللی اساساً واکنشی است و به این ترتیب، اطلاعات خوب از اهمیت اساسی برخوردار است. این منطق همچنین نشان می‌دهد که قدرت‌های برتر با تمام هزینه‌های مرتبط بیشترین احتمال مداخله در زمینه‌های بی‌ثباتی را دارند و بنابراین قوی‌ترین انگیزه را برای جمع‌آوری بهترین و گسترده‌ترین آن‌ها را دارند. اطلاعات در این زمینه‌ها، اجازه می‌دهد تا یک پاسخ به‌موقع و مؤثر سیاسی به بی‌ثباتی بالقوه یا واقعی و در نتیجه به حداقل رساندن هزینه‌ها را فراهم می‌کند.

واضح است که اطلاعات با ارائه راستی آزمایی برای کنترل تسلیحات، کمک بزرگی به ثبات بین‌الملل کرد. بیشترین مثال ذکر پیرامون مسائل ذکرشده در طول جنگ سرد است. در طول دهه ۱۹۵۰، اطلاعات خوب به آیزنهاور اجازه داد تا در برابر فشار به ویژه نیروی هوایی ایالات متحده برای گسترش عمده برنامه‌های تسلیحات استراتژیک مقاومت کند. البته خود سازمان‌های اطلاعاتی احتمالاً در این ادعاها اغراق کرده بودند و استدلال می‌کردند که اطلاعات یک ابزار جادویی است که اجازه می‌دهد مسابقه تسلیحاتی کنترل شود. ماهواره‌های تجسسی نیز جزء ضروری ابتکارات اصلی کنترل تسلیحات جنگ سرد، از جمله معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، گفتگوهای محدودسازی تسلیحات استراتژیک و ممنوعیت آزمایش اتمی بودند. احتمالاً تصادفی نیست که کنترل تسلیحات پیچیده و سیستم‌های مجموعه پیچیده مبتنی بر ماهواره در همان زمان

ظهور کردند. عبارت وسایل فنی ملی - عبارتی مؤدبانه برای جاسوسی با ابزار علم - برای اولین بار در طول گفتگوهای محدودسازی تسلیحات استراتژیک در دهه ۱۹۷۰، ارزش زیادی پیدا کرد. چندین زیرشاخه مطالعات اطلاعاتی نیز عمدتاً در حمایت از کنترل تسلیحات از جمله لرزه‌نگاری و نمونه‌برداری هوایی تکامل یافتند (Goodman, 2007).

اطلاعات تائید شده برای سیاست‌گذاران ممکن است به طور کلی به عنوان اعمال یک اثر تثبیت‌کننده بر سیستم بین‌الملل تلقی شود. با این حال، این موضوع در مورد تمام فرآیندهایی که از طریق آن‌ها چنین اطلاعاتی جمع‌آوری می‌شود، صادق نیست. عملیات جمع‌آوری اطلاعات به طور بالقوه تحریک‌آمیز است. نمونه تاریخی یک سیستم جمع‌آوری که به جایگاه نمادین در ادبیات امنیت بین‌الملل دست یافته است، برنامه هواپیماهای شناسایی U-2 مربوط به CIA است. داستان U-2 به شکل مشخصی دوگانگی اطلاعاتی را به عنوان عامل تثبیت‌کننده از یک‌سو و منبع خطر از سوی دیگر در بر می‌گیرد. اطلاعات جمع‌آوری‌شده توسط U-2 اغلب خوش‌خیم بود و معمولاً آتش‌بس‌ها را از طرف سازمان ملل پس از جنگ‌های خاورمیانه در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳ زیر نظر داشت، اما سرنگونی یک U-2 در سال ۱۹۶۰ اثر منفی این اقدام را نشان می‌دهد. پس از آن، تغییر به سمت شکل‌های فنی‌تر جمع‌آوری، از جمله رهگیری بیشتر ارتباطات و ماهواره‌ها، تا حدی به تلاش برای جلوگیری از حوادث بعدی بود. اما همان‌طور که خشم عمومی در سال ۲۰۱۴ در مورد استراق سمع تلفن همراه آنگلا مرکل و سایر مقامات تأکید کرد، هیچ نوع مجموعه عمل اطلاعاتی کاملاً بدون خطر نیست.

اقدام پنهان در رویدادها

تأثیر آژانس‌های اطلاعاتی بر امنیت بین‌الملل زمانی بیشتر می‌شود که طیف کامل فعالیت‌های آن‌ها را بررسی کنیم. آن‌ها نه تنها در مورد امور جهانی گزارش می‌دهند، بلکه به دنبال مداخله پنهان برای شکل دادن به رویدادها هستند. این روند اغلب به عنوان اقدام پنهان یا اقدام سیاسی خاص نامیده می‌شود و هدف آن دستیابی به انکار قابل قبول برای نتایج خاص است (Cormac, 2017). از آنجایی که خود رویداد اغلب قابل مشاهده است، به عنوان مثال یک ترور، ولی سرویس اطلاعاتی مورد نظر صرفاً تلاش می‌کند تا ردیابی قطعی این رویداد را برای مجرم دشوار

کند. اقدام مخفی همچنین می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، از فعالیت‌های شبه‌نظامی پر سر و صدا گرفته تا تأمین مالی مخفیانه و مجزا برای احزاب سیاسی. اثبات علت و معلول دشوار است و در نتیجه، جنبه‌هایی از نمونه‌های به خوبی تحقیق شده، مانند مداخلات CIA در شیلی طی سال ۱۹۷۳، مورد مناقشه باقی می‌ماند.

حتی واقع‌گرایان سرسختی مانند جورج کنان به این نتیجه رسیدند که بسیاری از اقدامات مخفیانه خوب پیش نمی‌روند و در طول زمان نسبت به این ابزار بدبین‌تر شدند. مواردی که به عنوان موفقیت کوتاه‌مدت تلقی می‌شدند، برای مثال، حمایت از مجاهدین در مقاومت در برابر اشغال شوروی در افغانستان در دهه ۱۹۸۰، اکنون به نظر می‌رسد که منجر به آسیب طولانی‌مدت شده است. به نظر می‌رسد برخی از نظریه‌پردازان، اقدامات پنهانی را به طور کلی بی‌ثبات کننده یا حداقل یک فعالیت پرخطر می‌دانند که تنها باید به عنوان آخرین راه چاره انجام شود. اما دیگران استدلال می‌کنند که توانایی عمل مخفیانه می‌تواند به محدود کردن تشدید درگیری‌های منطقه‌ای کمک کند (Carson, 2018). یقیناً یکی از موارد مغفول مانده از اقدامات پنهان، دیپلماسی و میانجیگری مخفیانه است. سرویس‌های اطلاعاتی در تسهیل بحث بین کشورهایی که روابط دیپلماتیک ندارند، ارزشمند بوده‌اند. آن‌ها همچنین در توسعه گفت‌وگو با بازیگران غیردولتی خشن مانند شبه‌نظامیان و گروه‌های تروریستی نیز تا حدی مفید بوده‌اند (Newton, 2011). به‌کارگیری سرویس‌های اطلاعاتی در این نقش چندین مزیت احتمالی دارد. اول، مذاکرات از سوی هر طرفی قابل انکار است و خصوصاً در مورد گفتگو با تروریست‌ها، اگر قرار باشد بحث‌ها ادامه یابد، ممکن است این امر ضروری باشد. دوم، گروه‌های تروریستی اغلب احساس می‌کنند که از اشتراک فرهنگی با آژانس‌های مخفی لذت می‌برند و ممکن است ترجیح دهند با افسران اطلاعاتی تعامل داشته باشند تا با دیپلمات‌ها.

رازداری و انکار غیرقابل قبول

در هر حوزه‌ای رازداری با میل به کسب مزیت یا اجتناب از ایجاد موقعیت‌های نامطلوب مرتبط است. در زمینه اطلاعاتی، عنصر رازداری ضروری و در قلب امور اطلاعاتی است، زیرا دانشی که پنهان می‌کند، بخش مهمی از مزیت نسبی یک دولت در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند

با افشای اطلاعات از بین برود. به طور فزاینده‌ای، اقدام مخفیانه عرصه و نوع جدیدی از جنگ‌های معاصر است. برای نسل‌ها، محققان اقدام پنهان را به عنوان مداخلات قابل انکار تعریف کرده‌اند، بنابراین دست بازیگر یا بازیگران نه آشکار بوده است و نه تائید شده است. اما تغییرات در فناوری و رسانه‌ها، همراه با ظهور نیروهای ویژه و شرکت‌های نظامی خصوصی، به این معناست که اکنون منطقه خاکستری به مثابه یک جنگ مبهم یا جنگ ترکیبی وجود دارد. ما شاهد ظهور یک پدیده جدید قابل توجه هستیم که آن را می‌توان وضعیت انکارناپذیر نامیده است. این به معنای پایان عمل پنهان نیست. در عوض، رهبران از نوع ویژه‌ای از رازداری استقبال می‌کنند و از ترسی که ایجاد می‌کند برای ایجاد نوع جدیدی از مداخله‌گرایی استفاده می‌کنند (Cormac, 2022). عقل متعارف حاکی از آن است که دولت‌ها زمانی که بتوانند به طور قابل قبولی حمایت خود را انکار کنند، دست به اقدامات پنهانی می‌زنند. اما در واقع، بسیاری از اقدامات مخفی تاریخی یک راز آشکار و به طور غیرقابل انکار بود. تلاش CIA برای سرنگونی فیدل کاسترو در خلیج خوک‌ها در سال ۱۹۶۱، همراه با عملیات نظامی در مقیاس بزرگ در لائوس، آنگولا و افغانستان، نمونه‌هایی هستند که انکارها فاقد قابل قبول بودن هستند. اخیراً، کرملین مداخله در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا و همه‌پرسی ۲۰۱۶ برگزیت را رد کرده است. این انکارها آشکارا نادرست بودند، اما این عملیات نه از مرزهای اقدام پنهان خارج شد و نه شکست تلقی می‌شد (Jamieson 2020).

در واقعیت، اکنون طیفی از اسناد داخلی و خارجی وجود دارد که نشان می‌دهد کنش پنهان دارای مخاطبان متعددی است. انکار غیرقابل قبول، پایان عمل پنهان را نشان نمی‌دهد. رهبران سیاسی به طور فزاینده‌ای مایل‌اند منافع خود را داشته باشند و آن را استفاده کنند؛ و در عین حال از پاسخگویی قانونی در مورد عملیات مخاطره‌آمیز اجتناب می‌کنند و نیز از مزایای رازداری آشکار استفاده می‌کنند. انکار غیرقابل قبول به آن‌ها اجازه می‌دهد تا دشمنان را بترسانند، از ابهام سوء استفاده کنند و حتی با رجزخوانی درباره استقرار جاسوس‌ها و نیروهای ویژه، در قامت یک بازیگر سخت باقی بمانند. مرگ افسر سابق FSB در سال ۲۰۰۶ و مسمومیت مأمور سابق GRU روسیه در سال ۲۰۱۸، هر دو به شکل جدید و تاریک‌تری از اقدام مخفیانه علنی اشاره می‌کنند که به‌عنوان عامل بازدارنده در برابر دیگران طراحی شده است که به نافرمانی فکر می‌کردند

(Belton, 2020). به طور کلی و از منظری نوین، اقدام اطلاعاتی بازتر، عمل محورتر و نظامی‌تر شده است. این نشان‌دهنده بیست سال جنگ در افغانستان، عراق، سوریه و اکنون جبهه اوکراین است. در حالی که CIA مشغول پذیرفتن جنگ بیشتر بود، جنگجویان نیروهای ویژه ایالات متحده، تکنیک‌های CIA را به عاریت گرفته بودند. جنگ علیه تروریسم فرماندهی عملیات ویژه ایالات متحده[۱۵] را متحول کرده است. علم به استفاده از منابع برای رویدادهای تاکتیکی در زمان واقعی اجازه می‌داد. با دستور جدید، SOCOM از ۱۱ سپتامبر تقریباً سه برابر شده است و حدود ۱۰۰۰۰۰ پرسنل را فرماندهی می‌کند. اطلاعات سنتی از بین نخواهد رفت، اما برجستگی زیاد اسرار یک چالش فکری و سازمانی تا حدی قابل توجه ایجاد می‌کند.

همکاری اطلاعاتی

از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، یکی از اساسی‌ترین تغییرات افزایش سریع همکاری بین‌المللی بین سرویس‌های اطلاعاتی بوده است. به اشتراک گذاشتن اسرار امری طبیعی برای جاسوسان نیست، اما وضعیت به گونه‌ای است که آن‌ها را به انجام آن سوق می‌دهد. عنصر همکاری منعکس‌کننده ماهیت فراملی فزاینده تهدیداتی است که دولت‌ها با آن مواجه هستند و همچنین درجه‌ای از هراس. ائتلاف‌هایی بین سرویس‌های اطلاعاتی و شرکای آشنا مانند ایالات متحده، بریتانیا، کانادا، استرالیا و نیوزلند یا بین کشورهای شمال اروپا از مدت‌ها پیش وجود داشته است اکنون دستخوش تغییراتی نیز شده است. الگوی اشتراک‌گذاری اکنون بسیار گسترده‌تر است و دقیقاً به دلیل اینکه تهدیدات فراملی و بین‌المللی هستند. نکته جالب اینکه شرکای اغلب آژانس‌های امنیتی و اطلاعاتی، از جنوب جهانی نیز هستند. به طور کلاسیک، خود دولت‌ها ایدئالیسم را به عنوان محرک همکاری معرفی کرده‌اند. دشمنان آشکاری مانند آلمان نازی برای مشروعیت بخشیدن به برخی از قدیمی‌ترین مشارکت‌های اطلاعاتی ایجادشده حول رمزشکنی جنگ جهانی دوم ساخته شده‌اند. اما محققان واقع‌گرا این دیدگاه آرمانی را رد کرده‌اند و در عوض از مدل‌های اقتصادی استفاده کرده‌اند تا پیشنهاد کنند آژانس‌های اطلاعاتی با یکدیگر نوعی تجارت اطلاعات، فناوری یا منابع دیگر می‌کنند. بازیگران بزرگ قدرت چانه‌زنی در بازار اطلاعاتی جهانی دارند و می‌توان

15 SOCOM

ایالات متحده را به عنوان نوعی هژمونی که بر یک کارتل دانش اطلاعات ریاست می‌کند، دید. اما به اشتراک‌گذاری اطلاعات نیز مستلزم درجه‌ای از اعتماد شخصی و نهادی است و بنابراین می‌توان ایده‌های نهادگرایی لیبرال، نظریه رژیم‌ها و حتی وابستگی متقابل به مسیر تحقیقات را نیز در اتحادهای اطلاعاتی به کار برد (Lansford, 2018).

اخیراً، برخی پژوهشگران استدلال کرده‌اند که روابط اطلاعاتی بین‌المللی را می‌توان از زاویه معرفت‌شناختی بهتر درک کرد. با در نظر گرفتن منشور گردش دانش، آژانس‌های اطلاعاتی مدرن به عنوان بازیگران اساساً فراملی ظاهر می‌شوند که از طریق روابط خارجی تقویت شده‌اند. این بازاندیشی رادیکال از اطلاعات به‌عنوان گردش دانش فراملی نه تنها پیامدهایی برای پژوهشگران دارد، بلکه برای سیاست‌گذاران و دست‌اندرکارانی که می‌خواهند از محدودیت‌های معامله‌های واقع‌گرایانه فرار کنند نیز سودمند است. از ۱۱ سپتامبر، مناقشه‌های فراآتلانتیکی بر سر موضوعاتی مانند جاسوسی از دوستان درگرفت. با این حال، کشورهای ناتو اغلب نزدیک‌ترین شرکای اطلاعاتی هستند. در دهه‌های اخیر، آمریکایی‌ها با سازمان‌های امنیتی غیر دوست و حتی کشورهایی که به طور هم‌زمان در فهرست کشورهای حامی تروریسم نیز بودند (مانند لیبی و سودان)، همکاری کردند. این به این دلیل است که همکاری اطلاعاتی نوعی سیاست نسبتاً تخصصی است که اغلب در مورد موارد خاص است و به کشورها اجازه می‌دهد در یک زمینه‌ای با هم همکاری کنند، در حالی که در مورد چیز دیگری اختلاف نظر دارند. با این وجود، کشورهای قدرتمندتر اروپایی تاکنون در برابر ایده یک سرویس اطلاعاتی فدرال اتحادیه اروپا مقاومت کرده‌اند (Aldrich, 2009).

همچنین بحث‌های قابل توجهی در مورد همکاری اطلاعاتی در حمایت از فعالیت‌های سازمان ملل وجود داشته است. از نظر تاریخی، سازمان ملل متحد به اطلاعات حساس بوده است، اما با گسترش نقش امنیتی خود دریافته است که اطلاعات حداقل در سه زمینه مختلف ضروری است. اول، پشتیبانی اطلاعاتی مؤثر می‌تواند به حفظ صلح و حل مناقشه کمک زیادی کند. دوم، در پی درگیری‌های مسلحانه، سازمان ملل متحد ممکن است برای نظارت بر آتش‌بس‌ها و توافق‌نامه‌ها در مورد خلع سلاح‌ها یا تحقیق در مورد جنایات جنگی به حمایت اطلاعاتی دولت‌ها وابسته باشد. سوم، و بحث‌برانگیزترین، دبیر کل سازمان ملل به حمایت اطلاعاتی استراتژیک نیاز دارد و به

موازات این مسائل، سازمان ملل متحد توسعه یک قابلیت تحلیل اطلاعاتی را در مقر خود ضروری تشخیص داده است. همکاری اطلاعاتی اغلب در مورد آموزش و حمایت از متحدان است که به عنوان اصلاحات در بخش امنیتی شناخته می‌شود. MI6 بریتانیا در حال حاضر اولویت بالایی به سرمایه‌گذاری در شرکای اطلاعاتی جدیدتر برای توسعه ظرفیت و مهارت‌های آن‌ها می‌دهد. در دهه گذشته، کشورهای توسعه‌یافته منابع قابل توجهی را به برخی آژانس‌های جنوب جهانی سرازیر کرده‌اند و متخصصان امنیتی برجسته استدلال کرده‌اند که اطلاعات به خوبی تنظیم‌شده نقش مثبتی در ترویج همکاری اطلاعاتی مؤثر دارد. بدون شک، امور اطلاعاتی به طور فزاینده‌ای از قلمروهای محلی، ملی فراتر رفته و به سمت ماهیت منطقه‌ای و بین‌المللی سوق یافته است. این توسعه عمل اطلاعاتی از اهمیت اساسی برخوردار است، زیرا سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی تا پیش از این در مرزها و شکاف بین آنچه داخل و خارج از دولت بوده است رشد کرده‌اند. بنابراین فروپاشی شکاف وستفالیایی، مسائل حقوقی را برای همه سرویس‌های اطلاعاتی ایجاد کرده است.

نتیجه‌گیری

مطالعات اطلاعاتی یک فرآیند است، وسیله‌ای برای رسیدن به هدف. این هدف در مسیر کسب، حفظ و افزایش مزیت نسبی امنیت است. نظریه فراگیر که نیاز و تداوم سازمان‌های اطلاعاتی را توضیح می‌دهد، نظریه‌ای است که شیوع تهدیدها و عدم قطعیت‌هایی را توضیح می‌دهد که اطلاعات برای ارائه هشدارهای اولیه به منظور اطمینان از عدم تبدیل تهدیدهای بالقوه به تهدیدات واقعی وجود دارد. این یک نظریه صرف اطلاعاتی نیست، بلکه یک نظریه برای برنامه پژوهشی روابط بین‌الملل است. بنابراین، نظریه‌پردازی در مطالعات اطلاعاتی نیازی ندارد خود را با مسائل تک بعدی محدود کند و در عوض می‌تواند بر جنبه‌هایی از روابط بین‌الملل تمرکز کند و آن را بیشتر توسعه دهد که بررسی‌های سنتی آن را به عنوان یک حوزه موضوعی متمایز نشان می‌داد. هیچ چیز ایستا در مورد امور اطلاعاتی وجود ندارد و دستور کار تحقیقاتی باید بتواند تغییر کند تا تحولات معاصر را منعکس کند؛ بدین لحاظ در محیط امنیت بین‌الملل کنونی، هر موضوعی از اهمیت اطلاعاتی زیادی برخوردار است.

عمل اطلاعاتی به طور اساسی تغییر کرده است. به طور کلی، این روند منعکس‌کننده جهش پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به سمت مبارزه با تروریسم بود، اما اساساً نشان‌دهنده فشارهای ساختار بین‌الملل در یک دوره نسبتاً طولانی‌تر است. اطلاعات در برابر تهدیدات فراملی، خواه تروریسم، قاچاق انسان یا تکثیر سلاح، سخت‌تر از جمع‌آوری اطلاعات علیه اهداف قدیمی دولت-ملت‌های ایستا است. با این وجود، دولت‌ها اکنون انتظار اطلاعات بیشتری دارند، زیرا آن‌ها مبالغ هنگفتی را در این زمینه خرج می‌کنند. علاوه بر این، اطلاعات زیربنای تاکتیک‌های پیش‌دستی است، که به طور فزاینده‌ای به عنوان نوعی تغییر خطر در عصر عدم اطمینان بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، هنگامی‌که سرویس‌های اطلاعاتی مشکلاتی را کشف می‌کنند، خود به طور فزاینده‌ای وظیفه اقدامات پیشگیرانه مخفی را بر عهده دارند. عنصر اقدام همیشه وجود داشته است، اما در حال حاضر کنش پنهان، اختلال و شکل‌دهی به رویداد، اجرایی و قابل مشاهده عامدانه است و متعاقباً فرصت تحلیل نیز فراهم است.

جدول ۲: نسبت امر اطلاعاتی با سطوح امنیت ملی و بین‌المللی

ساختار			
	اصل نظم‌دهنده	**تمایز**	**توزیع قدرت**
ملی	سلسله مراتبی مرکزگرا	همگن	انحصاری
بین‌المللی	آنارشیک غیرمتمرکز	عدم تشابه ناهمگن	غیر انحصاری رقابت‌جویانه
پیامدها			
	فرایندهای سیاسی	روابط	اهداف
ملی	تخصصی	وابستگی متقابل بالا	بیشینه‌سازی امنیت

بین‌المللی	محدود موازنه‌گرایانه	وابستگی متقابل پایین	بیشینه‌سازی ثبات

در همین حال، انقلاب جهانی در فناوری‌های ارتباطاتی، عصر نظارت و مراقبت را متحول کرده است که در آن شرکت‌های مرتبط با فناوری ممکن است داده‌های بیشتری نسبت به دولت‌ها در اختیار ما قرار دهند. این امر اهمیت بخش خصوصی را در امور اطلاعاتی افزایش داده است و داده‌های پیش پا افتاده نیز اکنون قادر به تولید اطلاعات قابل توجه هستند. این تولید داده‌ها که از طریق ابزارهای مختلف به دست می‌آید، حتی ممکن است چشم‌انداز و تحلیل پیش‌بینی‌کننده ای از نتایج اطلاعاتی ارائه دهد. چنین تحقیقاتی ممکن است نشان دهد که بازیگران از نظر سیاسی به کجا می‌روند و حتی ممکن است روندهای بعدی را پیش‌بینی کنند. به طرز عجیبی، این نوع امر اطلاعاتی کمتر شبیه رویکردهای سنتی است و بیشتر شبیه پژوهش‌های علوم اجتماعی نوین می‌باشد. اکثر پژوهشگران اطلاعاتی بیان می‌کنند که رازداری دولتی رو به افول است و بهترین چیزی که می‌توانند به آن امیدوار باشند افشای با تأخیر است. همان‌طور که پژوهش‌های اطلاعاتی از سایه‌ها به سمت کانون توجه حرکت می‌کند، همه این تحولات چیزی را که ما تحلیل روابط بین‌الملل می‌فهمیم تغییر می‌دهند. روابط بین‌الملل و مطالعات اطلاعاتی باید به دنبال زمینه‌های نظری مشترک باشند، چرا که چیزهای زیادی برای گفتن در مورد پژوهش‌های مشترک وجود دارد. یک نظریه اطلاعاتی، نقش فعال اطلاعات را در ایجاد واقعیت بین‌المللی که به عنوان ذهنیت سیاسی نیز عمل می‌کند، می‌پذیرد و این دیدگاه را برای پرداختن به کنش‌های سیاسی متقابل گسترش می‌دهد. البته دشواری‌های تجربی زیاد هستند، اما پتانسیل‌های نظری چنین رویکردی قابل بررسی است و چشم‌انداز نظری گسترده‌ای را برای حوزه مطالعات اطلاعاتی فراهم می‌کند. نتایج مورد انتظار باید در نقشه جامع مزایا و معایب مربوط به پتانسیل معرفتی، روش‌شناختی و نظری مطالعات اطلاعاتی گنجانده شود.

فهرست منابع

آشوری، محمد؛ حسن بیگی، ابراهیم؛ شیرازی، حسن و خلیلی، سیاوش (۱۴۰۲)، نقش و جایگاه اطلاعات راهبردی در تأمین امنیت ملی، *پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی*، ۱۲(۳۷): ۲۹-۷.

شهریاری، بهادر؛ قاسمی، بهزاد و غلامی، روح‌الله (۱۴۰۲)، خوانشی از رابطه تاریخ و اطلاعات؛ جایگاه مطالعات تاریخی در فرایند شناختی نهادهای اطلاعاتی، *آفاق امنیت*، ۱۶(۶۱): ۱۰۰-۷۱.

میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۰)، مطالعات اطلاعاتی: هستی‌شناسی مستقل، روش‌شناسی وابسته و نظریه‌پردازی ضعیف، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، ۶(۲): ۲۳۴-۲۰۵.

Aldrich, R. (2009), US-European Intelligence Co-operation on Counter-terrorism: Low Politics and Constraint, *British Journal of Politics and International Relations* 11(1): 122–140.

Andrew, C. (2018), *Secret World: A History of Intelligence*, London: Penguin.

Belton, C. (2020), *Putin's People: How the KGB Took Back Russia and then Took on the West*, London: Collins.

Betts, R. (1978), Analysis, War, and Decision: Why Intelligence Failures Are Inevitable, *World Politics*, 31(2): 61–89.

Carson, A. (2018) *Secret Wars: Covert Conflict in International Politics*, Princeton: Princeton University Press.

Cormac, R. (2017), *Disrupt and Deny: Spies, Special Forces and the secret pursuit of British Foreign Policy*, Oxford: Oxford University Press.

Cormac, R. (2022), *How to Stage a Coup: And Ten Other Lessons from the World of Secret Statecraft*, London: Atlantic.

Erendor, M. (2021), *The Role of Intelligence and State Policies in International Security*, Newcastle: Cambridge Scholars Publishing.

Garner, G. (2019), *Intelligence Analysis Fundamentals*, Florida: CRC Press.

Gill, P. (2006), *Intelligence in an Insecure World*, Cambridge: Polity Press.

Gill, P. (2016), What Is Intelligence Studies?, *The International Journal of Intelligence, Security, and Public Affairs*, 18(1): 5-19.

Goodman, M. (2007), *Spying on the Nuclear Bear*, Stanford: Stanford University Press.

Herman, M. (1996), *Intelligence Power in Peace and War*, Cambridge: Cambridge University Press.

Jamieson, K.H. (2020), *Cyberwar How Russian Hackers and Trolls Helped Elect a President*, New York: Oxford University Press.

Jervis, R. (1977), *Perception and Misperception in International Politics*, Princeton, NJ: Princeton University Press.

Lansford, T. (2018), *All for One: Terrorism, NATO and the United States*, London: Routledge.

Lowenthal, M. (2019), *Intelligence: From Secrets to Policy*, New York: CQ.

Mearsheimer, J. (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*, New York: W. W. Norton.

Moran, A. (2015), Intelligence and Security, London: Routledge.

Newton, A. (2011), The ‘Talking Cure’: Intelligence, Counter-Terrorism Doctrine and Social Movements, *Intelligence and National Security*, 26(1): 120–131.
Puyvelde, D. (2016), Standing On the Shoulders Of Giants: Diversity And Scholarship In Intelligence Studies, *Intelligence And National Security*, 31(7).
Sagan, S. (1997), Why Do States Build Nuclear Weapons? Three Models in Search of a Bomb, *International Security*, 21(3): 54–87.
Waltz, K. (1954) *Man, the State, and War: A Theoretical Analysis*, New York: Columbia University Press.
Warner, M. (2002), Wanted: a Definition of Intelligence, *Studies in Intelligence*, 46(3): 15–23.